

خبر

از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی برگزار خواهد شد

آیین بزرگداشت آقای شهید ایران سه‌شنبه در مصلای امام خمینیعلیه‌السلام

مراسم بزرگداشتی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی روز سه‌شنبه از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در شبستان مصلای امام خمینی(ره) تهران برگزار خواهد شد.

به گزارش ایرنا، دفتر مقام معظم رهبری در اطلاعیه‌ای از برگزاری مراسم بزرگداشت قائد شهید امت در تهران از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی خبر داد.

اطلاعیه به شرح زیر است: با سلام و صلوات به پیشگاه حضرت ولی عصر(عج)، تسلیت ایام سوگوری حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و یاران باوفای ایشان، تعزیت مجدد به مناسبت شهادت قائد عظیم‌الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای (قَدْسَ‌اللهُ نَفْسُهُ‌ الزَّکِیَّة) و اعضای خانواده عزیز ایشان و همچنین با خضوع و خشوع در برابر عظمت و شکوه تاریخی ملت مبعوث شده در بدرقه آقای شهید ایران، به اطلاع دلدادگان امام مجاهد شهید می‌رساند، مراسم بزرگداشتی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (مَدَّ ظُلَّهُ‌ العالی) روز سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۵ از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در شبستان مصلای امام خمینی(ره) تهران برگزار خواهد شد. بی‌شک حضور مردم عزادار و مبعوث شده در این مراسم، تأکید دوباره‌ای بر عهد و پیمان ناگسستگی برای ادامه راه خامنه‌ای شهید و بیعت مجدد با خلف صالح آن امام شهید خواهد بود.

دیدگاه

انتقام برای زندگی

محمدولایی | «انتقام» شاید مهم‌ترین پیام تشییع ده‌ها میلیونی رهبر شهید انقلاب بود که حتی بیش از مشایعت و وداع و عزاداری، خود را در پرچم‌های سرخ و شمارهای آتشین و چهره‌های خشم‌آلود مردم داغدار نشان می‌داد. تأکید چندباره رهبر معظم انقلاب بر این امر ملی، تأییدی بود بر منطق مردمی که بیش از سه ماه این مطالبه را فریاد زده‌اند و با پرچم‌های سرخشان خط خونخواهی رهبر شهید را همچنان زنده نگاه داشته‌اند.

اما این موضوع صرفاً یک خونخواهی مبتنی بر احساسات نیست که به زعم بعضی تحلیلگران، در تعارض با مصالح کشور و امنیت ملی قابل چشم‌پوشی باشد؛ بلکه منطق مستحکمی را نمایندگی می‌کند که آن مصالح و منافع ملی جز با تحقق آن حاصل نخواهد شد.

گرچه پیشران اجرای انتقام، خشم مقدسی است که در برابر جنایت‌به‌وجودمی‌آید، اما هدف اصلی آن همان فلسفه قصاص است که فراتر از تشفی قلوب و فرونشاندن خشم، حفظ حیات جامعه و جلوگیری از تکرار جنایت را نشانه می‌گیرد.

آیه قرآنی «وَلَكُمْ فِی الْقِصَاصِ حَیْةٌ» معادله ساده‌ای را مبتنی بر بازدارندگی بیان می‌کند؛ مجازات عادلانه، هزینه جنایت را افزایش می‌دهد که همین هزینه موجب کاهش احتمال تکرار شده و حفظ جان انسان‌ها و امنیت عمومی و در یک کلام، حفظ حیات اجتماعی را در پی خواهد داشت.

ترور کم‌هزینه یک مقام عالی‌رتبه، این ابزار را به گزینه‌ای قابل تکرار در محاسبات دشمن تبدیل خواهد کرد. ادامه روند فعلی به معنای آن است که سیزدهم دی، بیست‌وسوم خرداد و نهم اسفند، تاریخ‌هایی هستند که هر لحظه و در هر نقطه از ایران و جهان امکان تکرار دارند و هر ایرانی و به‌ویژه رهبران و نخبگان ایرانی در معرض آن هستند.

زندگی مخفیانه رهبران و مسئولان ارشد کشور، کم‌ترین اثر این وضعیت بوده که ممکن است منجر به تعطیلی نهادهای حساسی مثل مجلس شورای اسلامی و محدودیت نهادهایی مثل مجلس خبرگان، شوراهای عالی، وزارتخانه‌ها، نهادهای نظامی و... نیز بشود و کارآمدی سیستم و شفافیت فرایندها را با مشکل مواجه کند.

مضاف بر اینکه چنین وضعیتی مردم عادی را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد و افزایش سازوکارها و هزینه‌های امنیتی، به امنیتی شدن کشور می‌انجامد و تبعاتش دامنگیر همه مردم خواهد شد. باید گفت بدون انتقام، ایران دیگر جای امنی نیست! امنیتی که خود بستر و مقدمه رشد و بالندگی یک جامعه است و بدون آن، رشد علمی و اقتصادی کشور به محاق خواهد رفت. بنابراین زندگی ما و حیات اجتماعی ما در گرو این انتقام است.

از این منظر پاسخ به تجاوز صرفاً ماندن در گذشته نیست؛ بلکه محاسبات آینده را می‌سازد. به همین دلیل، دولت‌ها واکنش خود را نه فقط برای پاسخ به یک رویداد، بلکه با هدف اثرگذاری بر محاسبات آینده‌دیگر بازیگران تنظیم می‌کنند.

یکی از هنجارهای مهم نظام بین‌الملل، مستثنا کردن سران و ساختار حکومت‌ها از بانک اهداف نظامی بوده است. هنجاری که صرفاً اخلاقی نیست و اهدافی کارکردی را دنبال می‌کند؛ ثبات نظام بین‌الملل، حفظ روابط دیپلماتیک، جلوگیری از جنگ‌های تلافی‌جویانه و...

در سال ۱۹۱۴ ترور ولیعهد اتریش مجارستان در ساریوو، جرقه آغاز جنگ جهانی اول را زد که پیامد آن فعال شدن زنجیره‌ای از اتحادهای نظامی و کشته شدن ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر در جهان بود. تبعات این ترور به‌قدری بحران‌آفرین بود که تابو ترور سران کشورها به یکی از هنجارهای نانوشته نظام بین‌الملل در قرن اخیر تبدیل شد. بر این اساس سران کشورها علاوه بر مصونیت دیپلماتیک هنگام سفر به سایر کشورها، حتی در اوج جنگ نیز بارها در عرصه عمومی ظاهر می‌شوند و عموماً خطر مستقیمی آن‌ها را تهدید نمی‌کرده است. تلاش‌های امنیتی برای ترور نیز معمولاً بدون اعلام رسمی دولت‌ها انجام می‌شود.

بنابراین عادی شدن چنین رفتاری تنها به یک کشور یا یک رهبر محدود نمی‌شود و قواعد حاکم بر روابط بین‌الملل را بیش از پیش متزلزل می‌کند. اصرار بر انتقام و تدوین فرایندهای قانونی و حقوقی آن می‌تواند این معادله را در سطح بین‌الملل نیز احیا کند.

پس از حمله به ۱۴۰ هدف در ایران و پاسخ موشکی به پایگاه‌های آمریکا

بازگشت جنگ به قلب خلیج فارس



گروه سیاسی | صد و سی و پنجمین روز تقابل، روزی

بود که بحران از سطح «اختلاف بر سر تردد کشتی‌ها»

عبور کرد و به نبردی آشکار بر سر حاکمیت در تنگه هرمز تبدیل شد. پس از موج جدید حملات آمریکا به جنوب ایران و اعلام سنگتاک مبنی بر هدف قرار دادن حدود ۴۰ نقطه نظامی، ارتباطی و ساحلی، جمهوری اسلامی پاسخ را از محدوده خلیج فارس فراتر برد و پایگاه‌ها و تأسیسات مرتبط با آمریکا در قطر، بحرین، کویت، اردن و عمان را هدف قرار داد.

همزمان، مرجع ایرانی مدیریت تنگه اعلام کرد عبور از هرمز تا بازگشت ثبات ممکن نیست. در منطق ایران، این تصمیم بستن یک آبراه برای نمایش قدرت نیست، بلکه تثبیت یک اصل است. امنیت هرمز بدون پذیرش نقش ایران و بدون توقف مداخله نظامی آمریکا قابل تصور نیست.

این روزها که درگیری بر سر تنگه هرمز مجدد بالا

گرفته ممکن است این پرسش پیش بیاید که با امضای تفاهم‌نامه میان

ایران و آمریکا، دلیل درگیری در تنگه هرمز چیست و اساساً چرا ایران

روی کردار عمانی تنگه حساس است و به قیمت شلیک به شناورهایی که از آن مسیر عبور می‌کنند، در جغرافیای تنگه مداخله می‌کند؟

به باور بسیاری از کارشناسان بین‌المللی، آنچه موجب شد جنگ اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران سوبه‌هایی فراتر از جنگ منطقه‌ای بیابد و جهان را تحت تأثیر پیامدهای خود قرار دهد، بستن تنگه هرمز از سوی ایران بود. نقش کلیدی تنگه هرمز در عبور بخش اعظم نفت خاورمیانه به نقاط مختلف جهان و تهدید وجودی که ایران با حمله اسفند ماه آمریکا و رژیم صهیونیستی و به شهادت رساندن رهبر شهید انقلاب و جمعی از فرماندهان نظامی و چهره‌های امنیتی و سیاسی کشورمان احساس کرد، موجب شد ایده بستن تنگه هرمز که چندین سال است در برخی محافل سیاسی و کارشناسی برای پاسخ به تجاوزهای نظامی و تحریم‌های ظالمانه مطرح بود، روی میز قرار گیرد.

■ اثرات سه‌گانه بستن تنگه هرمز بر اقتصاد جهان

با آغاز جنگ تحمیلی جدید علیه ایران در اسفند سال گذشته، نیروی دریایی سپاه مانع عبور و مرور کشتی‌ها از تنگه هرمز شد.

در نتیجه حدود ۳۰۰ هزار کشتی در خلیج فارس محبوس شدند و تا زمان شکل‌گیری آتش‌بس و امضای تفاهم‌نامه ایران و آمریکا صرفاً تعداد کمی از کشتی‌ها با مجوز ایران و پرداخت بهای خدمات از تنگه عبور کردند. اقدام ایران اثر چشمگیری بر اقتصاد جهانی گذاشت و از سه منظر اقتصاد آمریکا و به تبع آن اقتصاد کشورهای همپیمان آمریکا و اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داد.

نخستین و آشکارترین اثر جنگ، انتقال نااطمینانی ژئوپلیتیکی به بازار انرژی بود. تنگه هرمز پیش از آغاز جنگ محل عبور حدود یک‌پنجم نفت و گاز روزانه جهان بود. حمله به نفتکش‌ها، کاهش تردد کشتی‌ها و خطر بسته شدن مسیرهای کشتیرانی، بخشی از عرضه انرژی را از بازار خارج کرد و هزینه بیمه، حمل و نقل و تأمین نفت را افزایش داد.

قیمت نفت در چهار ماه نخست جنگ در مقطعی نزدیک به ۷۰ درصد

افزون بر این، این گزارش اذعان این رسانه به دست برتر تهران در منطقه هم

هست. بخش‌هایی از این گزارش را بخوانیم.

ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا(سنتاک) بامداد پنجشنبه، حدود ساعت ۶:۳۰ به وقت ایران، اعلام کرد مرحله‌ای از عملیات خود را که شامل حمله به ۹۰ هدف بود، به پایان رسانده است. اندکی پس از این اعلام، رسانه‌های ایران از وقوع مجموعه‌ای از حملات هوایی و انفجارها در استان‌های بوشهر و سیستان و

نبروهای آمریکایی آماده‌ند عبور کشتی‌ها را تضمین کنند؛

اما همزمان، تهدید امنیتی در تنگه در بالاترین سطح قرار دارد. کشتی‌ها تردد خود را متوقف یا پنهان می‌کنند و حتی خدمه یک کشتی هدف گرفته شده ناچار به ترک شناور شده‌اند. این شکاف میان ادعا و واقعیت، همان نقطه‌ای است که ایران بر آن فشار می‌آورد.

■ پاسخ منطقه‌ای؛ پیام به میزبانان آمریکا

تحول مهم دیگر، گسترش پاسخ ایران به پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه بود. ایران از حمله به العدید قطر، پایگاه شاهزاده حسن در اردن، تأسیسات مرتبط با آمریکا در بحرین و کویت و مراکز پشتیبانی و سوخت‌رسانی در عمان رونمایی کرد. این دامنه پاسخ، حامل یک پیام روشن است؛ کشوری که میزبان عملیات آمریکاعلیه ایران باشد، نمی‌تواند خود را بیرون از میدان نگه دارد. مشکل اصلی حضور نظامی

آمریکا و استفاده از خاک و امکانات منطقه علیه ایران است. بنابراین پیام ایران به دولت‌های خلیج فارس این است که بی‌طرفی با میزبانی از ماشین جنگی آمریکا جمع نمی‌شود.

■ تفاهم‌نامه در آستانه فروپاشی

در سطح سیاسی، سخن محمدباقر قالیباف که «عصر توافقات یک‌طرفه تمام شده» خلاصه وضعیت تفاهم‌نامه است. از نگاه ایران، آمریکا هم بند آتش‌بس را با حملات مکرر نقض کرده، هم با ایجاد مسیرهای توافق نشده در تنگه هرمز، حق حاکمیتی ایران را دور زده و هم فشارهای تازه را بر ایران تحمیل کرده است. به همین دلیل، اصرار بر اجرای یک‌طرفه تعهدات، دیگر قابل قبول نیست. با این حال، مسیر دیپلماسی کاملاً بسته نشده است. گفت‌وگوهای ایران، عمان و قطر درباره مدیریت تنگه نشان می‌دهد ایران همچنان می‌خواهد چارچوبی حقوقی و منطقه‌ای برای هرمز بسازد. اما این دیپلماسی از موضع عقب‌نشینی نیست؛ از موضع تثبیت دستاورد میدانی است.

■ لبنان و غزه؛ استمرار معیار بی‌اعتمادی

همزمان، حملات اسرائیل در جنوب لبنان و غزه ادامه یافت. توپخانه اسرائیل زوטר شرقیه را هدف گرفت، خانه‌هایی در مجدل زون تخریب شد و در غزه نیز حملات پهبادی جان چند فلسطینی دیگر را گرفت. همین روند نشان می‌دهد بند نخست تفاهم‌نامه، یعنی توقف درگیری در همه جبهه‌ها، همچنان اجرا نشده است. بنابراین ایران دلیلی نمی‌بیند که در هرمز را در برابر آمریکا به تعهداتی پایبند بماند که طرف مقابل در لبنان، غزه و جنوب ایران نقض کرده است.

■ ایستگاه صد و سی و پنجم؛ نظم تازه یا جنگ فرسایشی

ما اکنون در مرحله‌ای هستیم که هرمز به متن اصلی جنگ تبدیل شده است. آمریکا می‌خواهد با بمباران ساحل و تضمین نظامی عبور کشتی‌ها، نظم سابق را احیا کند؛ اما ایران با کنترل تنگه، نظم تازه‌ای را به نمایش گذاشته است. تفاوت این دو نگاه، با چند دور مذاکره فنی حل نمی‌شود. وضعیت میدان نشان می‌دهد جمهوری اسلامی آماده مذاکره است، اما نه برای بازگشت به توافق‌های یک‌طرفه. هرمز در منطق ایران ابزار چانه‌زنی نیست که به آسانی واگذار شود؛ خط حاکمیت و ستون بازدارندگی است. اگر واشنگتن این واقعیت را نپذیرد، منطقه وارد چرخه‌ای فرسایشی‌تر خواهد شد؛ چرخه‌ای که در آن هر حمله به ایران، پاسخی منطقه‌ای می‌گیرد و هر تلاش برای دور زدن هرمز، به بحران تازه‌ای در قلب انرژی جهان تبدیل می‌شود.

چرا ایران به قیمت ورود به مرحله جدیدی از درگیری نظامی بر تثبیت حاکمیت خود و تحقق ترتیبات ایران در تنگه هرمز اصرار دارد؟

قاطعیت در تنگه برای جنگ‌زدایی

عبور و مرور، مقرراتی وضع کرده و نظام‌های راهبری دریایی، سامانه‌های کنترل ترافیک و خدمات ایمنی را برقرار و اعمال کنند. در بند پنج تفاهم اخیر ایران متعهد شده در صورت عمل آمریکا به تعهدات خود از جمله لغو محاصره دریایی، به تدریج طی ۳۰ روز با ترتیبات ایرانی، تنگه هرمز را باز کند. براساس تفسیر رسمی ما از ترتیبات ایرانی، عبور و مرور از تنگه هرمز صرفاً با هماهنگی با ایران و از مسیری که ایران مشخص کند، صورت خواهد گرفت.

اقدام آمریکا در حمایت از عبور و مرور کشتی‌ها از مسیر نزدیک به عمان در تنگه هرمز، خلاف بند پنج توافق نامه و ترتیبات ایرانی پیش‌بینی شده در آن بود و با وجود اخطارها و هشدارهای ایران، آمریکایی‌ها سعی کردند با پشتیبانی کشتی‌های جنگی خود از این کردیدور محافظت کنند که با اقدام قاطع ایران مواجه شدند و در نتیجه ما شاهد تبادل آتش مداوم در چند روز اخیر هستیم.

اکنون نیز نیروی دریایی سپاه اعلام کرده هر شناوری که از مسیری غیر از مسیر تعیین شده جمهوری اسلامی ایران بگذرد مورد هدف قرار می‌گیرد و ترتیبات ایرانی برای گذشتن از مسیر اقتدار و با حفظ نظم ایرانی، اراده ملی تک‌تک ایرانیان است و نظام جمهوری اسلامی ایران برای اعمال این اراده ملی با هیچ‌کس مامشات نمی‌کند.

■ تنگه ضامن آینده ایران است

با این توضیحات مشخص است که تنگه، کارت اصلی ایران در جنگ اخیر بوده و بر همین اساس در تفاهم اخیر نیز این حق در چارچوب حقوقی و روی کاغذ تثبیت شده است اما در عرصه میدان، آمریکایی‌ها تلاش داشتند با وزن دادن به مسیر عمان که به لحاظ عمق، امکان عبور کشتی‌ها و نفتکش‌های بزرگ از آن فراهم نیست، نقش ایران در تنگه هرمز را کم‌رنگ کنند. ازاین‌رو، اقدام جدی ایران و ورود به مرحله جدیدی از درگیری نظامی، برای تحقق تنگه هرمز ایرانی و رفع خطر سایه جنگ از کشورمان با اتکا به قدرت ایجاد شده از ترتیبات ایرانی تنگه هرمز، ضرورتی انکارناپذیر است و باید این اقدام تا تثبیت میدانی حق ایران از عبور و مرور شناورها در تنگه هرمز و تحقق اقتدار ایرانی در آب‌های جنوب کشور ادامه یابد.

یورونیوز گزارش داد

کدام کشور منطقه پشت حملات هوایی به ایران بوده است؟

بلوچستان، شهرهای اهواز و چهارپار و چند منطقه دیگر خبر دادند.

سنتاکم به درخواست خبرنگاران برای اظهار نظر درباره این حملات جدید پاسخی نداد. ایران نیز در واکنش به حملات آمریکا، روز پنجشنبه موج گسترده‌تری از حملات موشکی را علیه اهداف آمریکایی در منطقه آغاز کرد و بحرین، اردن، کویت و قطر را هدف قرار داد.

حملات روز پنجشنبه، درست در زمانی که ایران برای مراسم خاکسپاری (حضرت آیت‌الله‌العظمی) علی خامنه‌ای، رهبر پیشین جمهوری اسلامی آماده می‌شد، مناطقی در جنوب ایران را هدف قرار داد. حکومت ایران نیز تاکنون به طور مستقیم هیچ کشوری را مسئول این حملات معرفی نکرده است، هرچند یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به امارات عربی متحده هشدار داد و این

کشور را به حمایت از عملیات نظامی آمریکا علیه ایران متهم کرد.

کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که از زمان آغاز جنگ در ۲۸ فوریه به بارها هدف حملات ایران قرار گرفته‌اند، روز جمعه به درخواست‌ها برای اظهار نظر درباره این حملات پاسخی ندادند؛ اما شیخ محمد بن زاید آل نهیان، رئیس امارات متحده عربی بلافاصله پس از حمله موشکی ایران راهی کویت شد و با امیر این کشور دیدار کرد. رسانه‌های دولتی ایران روز جمعه به نقل از اسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس و از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران، گزارش دادند «امارات متحده عربی بهای همکاری با آمریکا را خواهد پرداخت». او امارات را متهم کرد که در پشت پرده حملات اخیر آمریکا علیه ایران نقش داشته است.